

The Role of Cognitive Psychology in the Analysis of Security and Intelligence News from a Media Perspective

Akbar Estarki *

Received: 2020/05/12

Mohammad Qolizadeh Soltanabadi **

Accepted: 2020/08/18

Seyyed Mohammad Hosseini ***

Abstract

One of the essential necessities of security organizations today is correct understanding of oncoming challenges and adjusting their programs and structures for timely and proper answers in order to predict and exactly analyze future problems. Due to a direct relation between security environments and rivals' mentalities and thinking, the human resource is taken to be the main capital of security organizations. This article, therefore, studies the role of cognitive psychology in analyzing security and intelligence news from a media perspective. The analytical method has been a documentary one that has happened by benefitting from existing resources in libraries and computers. By defining the status of cognitive and meta-cognitive sciences and cognitive psychology, we can better understand the importance and necessity of correct and logical environmental information and gain proper outlook in organizations and obtain productive solutions. Consequently, learning these sciences is inevitable for all intelligence analysts, especially when it concerns media methods.

Keywords: Security Analysis, Intelligence Analysts, Media, Cognitive Psychology, Cognitive Sciences, Meta-Cognitive Sciences.

* Faculty Member at Amin Disciplinary Sciences University, Tehran, Aestarki@gmail.com

** M.A. in Social Communication Sciences (Corresponding Author), Tehran, M.gholizadeh199@gmail.com

* M.A. in Social Sciences, Tehran, Baadbaan14@gmail.com

نقش روان‌شناسی شناختی در تحلیل اخبار امنیتی و اطلاعاتی از بُعد رسانه‌ای

اکبر استرکی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۳۱

محمد قلی‌زاده سلطان‌آبادی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲

سیده محمد حسینی***

چکیده

امروزه یکی از ضرورت‌های اساسی سازمان‌های امنیتی، شناخت صحیح چالش‌های پیش‌رو و انطباق ساختار و برنامه سازمان برای پاسخگویی شایسته و به‌موقع، به‌منظور پیش‌بینی آینده و تحلیل درست مسائل است. با توجه به ارتباط مستقیم محیط‌های امنیتی با ذهن و تفکر حریفان، نیروی انسانی، سرمایه اصلی در سازمان‌های امنیتی خواهد بود؛ بنابراین این مقاله به مطالعه نقش روان‌شناسی شناختی در تحلیل اخبار امنیتی و اطلاعاتی از بُعد رسانه‌ای می‌پردازد. روش پژوهش تحلیل اسنادی است که با بهره‌گیری از اسناد و منابع موجود در کتابخانه‌ها و رایانه انجام شده است. تبیین جایگاه علوم شناختی، فراشناختی و روان‌شناسی شناختی ما را در شناخت بهتر اهمیت و ضرورت تحلیل درست و منطقی اطلاعات پیرامونی و با نگرشی درست در سازمان‌ها یاری کرده و راه‌حل‌های مولد ارائه می‌دهد. در نتیجه فراگیری این علوم برای همه تحلیل‌گران اطلاعاتی از تمامی روش‌ها به‌ویژه رسانه به‌منظور تحلیل پدیده‌های امنیتی امری اجتناب‌ناپذیر است.

واژگان کلیدی: تحلیل امنیتی، تحلیل‌گران اطلاعاتی، رسانه، روان‌شناسی شناختی، علوم

شناختی، علوم فراشناختی

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین تهران، جمهوری اسلامی ایران. Aestarki@gmail.com

** کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

M.gholizadeh949@gmail.com

*** هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات (دانشگاه امام صادق علیه‌السلام) تهران،

Baadbaan14@gmail.com

جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

نخستین هدف سازمان‌های امنیتی، پس از کسب اخبار مربوط به تهدیدهای امنیت ملی؛ تحلیل اخبار است. برای رسیدن به این هدف، استخدام صحیح استعدادها همواره پیش شرط قطعی است. به‌عنوان مثال عنصر تیزهوشی که مجریان سازمان‌های امنیتی، آن را یکی از بهترین معیارهای گزینش به حساب می‌آورند به ورودی‌های اولیه این سازمان‌ها حس پایدار اعتماد به نفس می‌بخشد که می‌توانند بر آن تکیه کنند.

تحلیل، مهم‌ترین رکن اطلاعاتی است و مأمور سازمان امنیتی، تحلیل‌گر اخبار است که پس از دستیابی به اخبار باید آن را تحلیل کند. از آنجاکه اطلاعات، اخبار مربوط به فعالیت و تفکر انسان است؛ لذا برای تحلیل آن باید درکی از روان‌شناسی و حساسیت‌های انسان و همچنین درک درستی از سواد رسانه‌ای داشته باشد (طلایی و دیگران، ۱۳۹۷، صص. ۲-۴).

خصوصیات شخصیتی در حقیقت، به‌عنوان محرکه‌های خلق و خو برای دستیابی به هدف تلقی می‌شوند؛ به این معنا که این خصوصیت‌ها انسان را مستعد انجام رفتارهای مختلف در موقعیت‌های خاص می‌کند. ویژگی‌های شغلی نیز در ادامه خصوصیت‌های شخصیتی و برگرفته از رفتار افراد است که می‌تواند موفقیت شغلی آنان را متأثر کند.

شاید در هیچ مقوله‌ای از روان‌شناسی شناختی کلیات و جزئیات هر دو به یک اندازه مهم نباشند. روان‌شناس شناختی خبره رشته را می‌شناسد و می‌تواند دانش آن را نیز به کار بندد. در دو دهه گذشته رویکرد روان‌سنجی بر حوزه هوش انسان حاکم بود. رشته هوش مصنوعی نیز در تسلط برنامه‌هایی قرار داشت که از نظر کارکردی تا حدودی از فرایندهای فکری انسان دور بودند و امروزه هر دو رشته هوش تحت نفوذ شدید الگوهای شناختی انسان درباره نحوه پردازش اطلاعات هستند که سواد رسانه‌ای یکی از راه‌های رسیدن به این الگوهاست (قلی‌زاده و راسخی، ۱۳۹۸).

روان‌شناسان شناختی نحوه ادراک، یادگیری، یادآوری و تفکر افراد را مطالعه می‌کنند. روان‌شناسان شناختی درباره این موضوع توافق دارند که شناخت، انسان را قادر می‌سازد تا به‌طور موفقیت‌آمیزی خود را با محیطی که در آن قرار دارد، تطبیق دهد؛ بدین ترتیب، نیاز به سازه‌ای همچون هوش انسان است تا راه کوتاهی برای بیان

وحدت بنیادی مهارت انطباقی فراهم سازد. این وحدت در همه سطوح روان‌شناسی شناختی مشاهده می‌شود. توجه‌گزینی یعنی توانایی توجه به یک محرک خاص و بی‌توجهی به سایر محرک‌ها نیز با هوش مرتبط است. فرد هوشمند کسی است که می‌داند به چه اطلاعاتی توجه کند و کدام اطلاعات را نادیده بگیرد در واقع آنها را تحلیل می‌کند. مهارت‌های مختلف زبانی و حل مسئله نیز، صرف‌نظر از روش اندازه‌گیری آنها، با هوش ارتباط دارد. در مجموع، هوش انسان را می‌توان موجودیتی تلقی کرد که موجب وحدت و هدایت مسیر فعالیت‌های سامانه شناختی انسان می‌شود و مستقیم با تحلیل در ارتباط است (موسی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۴).

با توجه به مطالبی که در خصوص اهمیت هوش و روان‌شناسی شناختی گفته شد و با وجود اهمیتی که مسئله تحلیل در دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی دارد، به نظر می‌رسد، سامانه مجزا و مشخصی برای تفکر و تحلیل طراحی نگردیده، تحلیل‌گران آموزش‌دیده متخصص و مشخصی که فقط شغل آنها تحلیل‌گری باشد پیش‌بینی نشده و این مهم از طریق مسئولان و کارکنانی که سمت‌های مختلفی دارند، انجام می‌شود. علاوه بر آن، بعضی از تحلیل‌ها به صورت انفرادی انجام می‌شود و از کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند که با توجه به موقعیت عصر ارتباطات، انفجار اطلاعات و سواد رسانه‌ای، ادامه این روند، موجب تضعیف بیش‌ازپیش سازمان‌های اطلاعاتی و جلوگیری از انطباق آن با تغییرهای گسترده دنیای امروز و آینده اطلاعاتی - امنیتی گردیده، در نتیجه استفاده نامناسب از فرصت‌ها یا عدم استفاده از آنها موجب افزایش تهدیدها خواهد شد.

هرچند که میزان موفقیت هر سازمان اطلاعاتی بستگی به کسب خبر از محیط و درک درست و منطقی از آن است؛ اما عوامل اطلاعاتی از اهمیت علوم شناختی^۱ و فراشناختی^۲ و روان‌شناسی شناختی در آن غافل‌اند. تبیین جایگاه این علوم ما را در شناخت بهتر اهمیت و ضرورت تحلیل درست و منطقی اطلاعات پیرامونی و با نگرشی درست در سازمان‌ها یاری می‌کند.

^۱ Cognitive Science

^۲ Metacognitive

ضرورت تحقیق درک و شناخت صحیح از مسائل و چالش‌های پیش‌رو به‌منظور پیش‌بینی آینده و تحلیل درست از مسائل است. این عمل زمانی میسر خواهد شد که سازمان‌های اطلاعاتی بتوانند تحلیل اطلاعات را به‌عنوان یک تخصص به بهترین نحو تقویت کنند تا بر هدف‌های اطلاعاتی، نشان‌گاه‌ها، کارکنان و مأموریت‌ها تسلط داشته باشند و بتوانند قبل از حل مسئله درک درستی از زوایای پنهان و آشکار با تحلیل اطلاعاتی از علوم شناختی و فراشناختی با توجه به سواد رسانه‌ای موجود به دست آورند؛ بنابراین هدف از نگارش این مقاله تبیین نقش روان‌شناسی شناختی در تحلیل اخبار امنیتی و اطلاعاتی با نگاه رسانه‌ای است که نگارندگان این پژوهش با توجه به هدف مطلوب پس از پاسخگویی به سؤال اصلی (نقش روان‌شناسی شناختی در تحلیل اخبار امنیتی و اطلاعاتی از بُعد رسانه‌ای کدام است؟) به سؤالات زیر پاسخ دهند:

مفهوم شناختی، فراشناختی و روان‌شناسی شناختی چیست؟

مفهوم تحلیل چیست و چه رابطه‌ای با علوم شناختی و روان‌شناسی شناختی دارد؟

نظریه‌های تحلیل اطلاعات از بُعد رسانه کدام است؟

علوم شناختی و فراشناختی چه نقشی در تحلیل امنیتی و اطلاعاتی از بُعد رسانه‌ای دارند؟

روش تحقیق: پژوهش از نوع اسنادی و ازلحاظ هدف کاربردی است. روش پژوهش تحلیل اسنادی است که با بهره‌گیری از اسناد و منابع موجود در کتابخانه‌ها و رایانه انجام شده است.

۱- پیشینه تحقیق

جستجوی عناوین پایان‌نامه‌ها و کتب و مقالات منتشره نشان می‌دهد چندین پژوهش پیرامون روان‌شناسی شناختی، علوم شناختی و فراشناختی و همچنین سواد رسانه‌ای انجام شده ولی تاکنون پژوهشی با عنوان مقاله حاضر که از بُعد رسانه‌ای به تجزیه و تحلیل این علوم در سازمان‌های اطلاعاتی بپردازد مشاهده نگردید؛ بنابراین این تحقیق در نوع خود برای نخستین بار مورد بررسی قرار گرفته است و از این لحاظ دارای نوآوری است؛ اما در خصوص تحقیقات صورت گرفته در حوزه علوم شناختی،

روان‌شناسی شناختی و فراشناختی همچنین سواد رسانه‌ای به برخی اقدام‌های انجام‌شده به‌عنوان پیشینه این تحقیق اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

ردیف	نویسنده / مترجم	عنوان کتاب	مقاله /	نشر	توضیحات
۱	مؤلفان: جفری لافنس، ادوارد اسمیت، استیفن مارن، سوزان نولن هکسما، باربارا فردریکسون، داریل بی. مترجمان: حسن رفیعی، ارجمند، حمیدپور	کتاب: زمین‌روانشناسی اتکینسون و هیلگارد (جلد ۲)	مقاله /	ناشر: ارجمند ۱۳۸۶	در این کتاب به علوم شناختی و فراشناختی از دیدگاه وسیعی پرداخته شده و مثال‌های خوبی را برای فهم خواننده ارائه شده است.
۲	مؤلف: رابرت ج. استرنبرگ مترجمان: سیدکمال خرازی، الهه حجازی	کتاب: روانشناسی شناختی	مقاله /	ناشر: سمت ۱۳۹۵	این کتاب حاصل سال‌ها تجربه نویسنده در تدریس روان‌شناسی شناختی است. در این کتاب به یافته‌های علم اعصاب، زبان‌شناسی، علوم رایانه و هوش مصنوعی و فلسفه ذهن پرداخته شده است.
۳	اصغرزاده، مجید؛ یونس خزلی و سعید سعیدی	کتاب: شخصیت و کارایی کارکنان سازمان‌های اطلاعاتی	مقاله /	تهران: انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی ۱۳۹۵	نویسنده در بخش‌هایی از کتاب شخصیت کارکنان سازمان‌های اطلاعاتی را از نگاه روان‌شناسی بررسی کرده است.
۴	قلی‌زاده، محمد و افشین راسخی	کتاب: رهیافتی بر تجزیه و تحلیل	مقاله /	تهران: حدیث کوثر ۱۳۹۸	نویسندگان در این کتاب به علوم شناختی و فراشناختی

<p>پرداخته و آن را در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی تجزیه و تحلیل کرده‌اند.</p>		<p>امنیتی و اطلاعاتی با استفاده از علوم شناختی و فراشناختی</p>		
<p>نویسنده در این مقاله استدلال می‌کند که شیوه‌های بهتر حاکمیت می‌تواند هزینه‌ها، خطرات و عدم اطمینان واسطه‌گری مالی را کاهش دهد. نمونه ما شامل کشورهایی با درآمد زیاد، متوسط و کم قبل و بعد از بحران مالی جهانی (GFC) است. بنا به توضیحات آن سواد رسانه‌ای از دیدگاه توسعه و مالی توضیح داده شده است.</p>	<p>کنفرانس دانشگاه کارلستاد، سوئد ۲۰۰۹</p>	<p>مقاله: آموزش سواد رسانه‌ای Media Literacy Training</p>	<p>Oxstrand, Barbro آکسترند باربارو</p>	<p>۵</p>
<p>تصاویر شنیداری را در چند آزمایش بررسی کرده که تصاویر به صورتی مبهم قادر به تفسیر شخصیت‌ها بودند. وی یافته‌هایش را به روش‌ها و محرک‌های مختلف تعمیم داد و به محرک‌های تصویربرداری و تصویرهای شنیداری پرداخت که از آن طریق به درجه‌ای از شخصیت‌های پنهان افراد دست یافت.</p>	<p>فصلنامه روانشناسی تجربی: روانشناسی تجربی انسان. ۱۹۸۹ صص: ۶۴۱ - ۶۱۹</p>	<p>مقاله: تصاویر شنیداری (تصویب شده) مبهم هستند. تصاویر شنیداری (خالص) نیستند</p>	<p>Reisberg, D. Smith, J. D. Baxter, D. A. & Sonenshine, M. ریسنبرگ، اسمیت، باکستر، سونن‌شین</p>	<p>۶</p>
<p>نویسندگان در این مقاله: همگرایی رسانه‌ها و فناوری در حال یک فرهنگ جهانی در حال تغییر نحوه یادگیری ما در</p>	<p>American Behavioral Scientist ۸۸-۲۹ ۲۴۴۴</p>	<p>Media Literacy A National Priority for a Changing World</p>	<p>Elizabeth Thoman, & Tessa Jolls</p>	<p>۷</p>

<p>جهان بررسی کردند و مبانی آموزش را به چالش کشیدند. همچنین به تصاویر قدرتمند فرهنگ چندرسانه‌ای، آموزش سواد رسانه‌ای مورد نیاز برای زندگی، کار و شهروندی قرن بیست و یکم را تبیین کردند.</p>		<p>سواد رسانه‌ای یک اولویت ملی برای جهانی در حال تغییر</p>		
---	--	--	--	--

۲- مفاهیم و مبانی نظری

۱-۲- مفهوم‌شناسی

۲-۱-۱- روان‌شناسی شناختی

اگرچه روان‌شناسی شناختی اصطلاح کمابیش جدیدی است و فقط چند دهه از عمر آن می‌گذرد، اما قدمت موضوعات موردبحث و دغدغه‌های آن، چند هزار سال است که ذهن انسان را به خود مشغول کرده است.

روان‌شناسی شناختی مهم‌ترین ویژگی انسان را در دریافت اطلاعات از محیط و پردازش اطلاعات در درون خود می‌داند و به این سؤال مهم می‌پردازد که آنچه ما ذهن می‌نامیم، چیست و چگونه کار می‌کند؟

قاعداً تاریخ فلسفه با افلاطون شروع نمی‌شود و قبل از او هم انسان درگیر پرسش‌های فلسفی بوده است؛ اما بر اساس آنچه در تاریخ مکتوب برایمان مانده، افلاطون یکی از نخستین کسانی است که می‌توان گفت به زبان امروزی، به موضوع روان‌شناسی شناختی توجه داشته است (سایت متمم، تاریخچه روان‌شناسی شناختی).

روان‌شناسی شناختی به‌عنوان یکی از حوزه‌های اصلی علوم شناختی حاصل نهضتی است که در دهه‌های پنجاه و شصت (میلادی) به دنبال پیشرفت‌های علمی مانند عصب‌شناسی، زبان‌شناسی، علم رایانه و هوش مصنوعی شکل گرفت. موضوع اصلی روان‌شناسی شناختی مطالعه ذهن و فرایندهای شناختی با استفاده از روش‌های علمی رایج در حوزه علوم و فناوری شناختی است. روش‌های آزمایشگاهی مورد استفاده روان‌شناسان شناختی بسیار گسترده است و شامل روش‌ها و فنون علوم اعصاب و

تصویربرداری کارکردی، روش‌های رفتاری و سایکو فیزیک و همین‌طور روش‌های سنجش عصب- روان‌شناختی می‌شود. روان‌شناسی شناختی با اتکا بر این روش‌ها توفیقات زیادی در حوزه‌های مختلفی نظیر ادراک، حافظه، یادگیری، استدلال، داوری، تصمیم‌گیری، تفکر، هوش و زبان، به‌دست آورده است. افزون بر این موارد با جهت‌گیری‌های جدیدی که در سال‌های اخیر در این حوزه شکل گرفته است، روان‌شناسی شناختی با حفظ هویت بین‌رشته‌ای خود، قدم به قلمروهای جدیدی گذاشته است و خدمات ارزشمندی در حوزه‌هایی نظیر درمان و تشخیص اختلالات روان‌شناختی، آموزش و پرورش، مسائل اجتماعی و فرهنگی، مدیریت، سیاست، رسانه و ... ارائه کرده است (سایت دانشگاه تبریز، ۱۳۹۹/۱۰/۳۰).

۲-۱-۲- فراشناختی

یکی از موضوعات ضروری در عرصه روان‌شناسی مفهوم فراشناخت است که برای درک ماهیت فراشناخت باید آن را با شناخت مقایسه کرد. واژه شناخت برای توصیف روش‌هایی به‌کار می‌رود که طی آنها اطلاعات پردازش می‌شود و برای مدتی در حافظه ذخیره می‌شود تا برای هدف معینی مورد استفاده قرار گیرد. در صورتی که فراشناخت به دانش ما در زمینه همه این عملکردها و چگونگی استفاده بهینه از آنها در فرایند یادگیری اشاره دارد.

فراشناخت به هرگونه دانش یا فعالیت شناختی که موضوع آن شناخت یا تنظیم شناخت است اطلاق می‌گردد و دارای دو مؤلفه تجربه فراشناختی و دانش فراشناختی است، تجربه فراشناختی عبارت است از یک تجربه شناختی یا عاطفی که به یک امر شناختی مربوط می‌شود. محتوای تجربه فراشناختی می‌تواند طولانی یا خلاصه و پیچیده یا ساده باشد و قبل از فعالیت شناختی، در طی یا پس از آن رخ دهد.

دانش فراشناختی بخشی از دانش و باور انسان درباره جهان است که با موضوع‌های شناختی سروکار دارد. این دانش و باورها از طریق «تجربه» آموخته و در حافظه بلندمدت ذخیره می‌شود فلاول^۱ معتقد است که دانش فراشناختی به‌طور کلی شامل

۱. Flavell

دانش دربارهٔ شخص، تکلیف و راهبرد است و حجم آن به ترکیب یا تعامل عوامل مذکور بستگی دارد (قلی‌زاده و راسخی، ۱۳۹۸، ص. ۶).

۲-۱-۳- علوم شناختی

علوم شناختی مطالعهٔ علمی ذهن است. در این تعریف منظور از ذهن مجموع هر آنچه نمودهای هوشمندی و آگاهی هستند مانند تفکر، ادراک، حافظه، احساس، استدلال و نیز تمام روندهای ناآگاهانه شناختی است. گاهی علوم شناختی را به صورت «مطالعهٔ علمی شناخت» نیز تعریف می‌کنند و شناخت را مجموع حالت‌ها و فرایندهای روانی مانند تفکر، استدلال، درک و تولید زبان، دریافت حواس پنجگانه، آموزش، آگاهی، احساسات و... در نظر می‌گیرند. به‌طور کلی پرسش‌هایی مانند اینکه ذهن چگونه کار می‌کند یا مغز چگونه هوشمندی را ایجاد می‌کند، از جمله پرسش‌هایی هستند که در این شاخه علمی بررسی می‌شوند.

علوم شناختی، مجموعه‌ای از رشته‌های تخصصی و حوزه وسیعی از دانش است. در این علم، نخست قابلیت‌های شناختی که در موجودات زنده وجود دارد به شکل علمی تعریف و تدوین شده و بعد سازوکارهایی که در مغز باعث به وجود آمدن چنین قابلیت‌هایی بوده‌اند، شناسایی می‌شوند. وقتی این سازوکارها شناخته شدند به زبان ریاضی ترجمه و به شکل کمی مشخص می‌شوند و سپس این کمیات را در ماشین الگوسازی و در ابزار صنعتی مثل ربات‌ها پیاده‌سازی می‌کنند. با توجه به کارهایی که در این حوزه از علم انجام می‌شود می‌توان فهمید که زنجیره‌ای از علوم مختلف در آن دخیل‌اند تا سازوکارهای نورونی را مطالعه کنند.

علوم شناختی پروژه‌ای در حال پیشرفت است که از دههٔ ۱۹۵۰ میلادی آغاز شده و نام «علوم شناختی» در سال ۱۹۷۳ به آن داده شد. رشد انفجاری این علم در ۲۰ سال اخیر حتی از رشد سریع علم فیزیک هم چشمگیرتر بوده است.

علوم شناختی با روش‌ها و معیارهای علمی سروکار دارد. مهم‌ترین اصل این علم آن است که «ذهن را می‌توان به‌طور علمی فهمید». همین امر سبب می‌شود که علوم شناختی یک رویکرد مادی‌گرایانه مانند فیزیک، شیمی، گیاه‌شناسی و... به ذهن باشد.

«علوم شناختی» با «شناخت‌شناسی»^۱ نباید اشتباه گرفته شود. علوم شناختی که پژوهش علمی دربارهٔ ذهن و مغز» تعریف می‌شود، شاخه‌ای میان‌رشته‌ای است که از رشته‌های مختلفی مانند روان‌شناسی، فلسفهٔ ذهن، عصب‌شناسی، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم رایانه و هوش مصنوعی تشکیل شده است. این علم به بررسی ماهیت فعالیت‌های ذهنی مانند تفکر، طبقه‌بندی و فرایندهایی که انجام این فعالیت‌ها ممکن می‌کند، می‌پردازد. به صورت مشخص‌تر از جمله هدف‌های اصلی این رشته پژوهش در زمینه بینایی، تفکر و استدلال‌کردن، حافظه، توجه، یادگیری و مباحثی مربوط به زبان است (آریان‌پور و دیگران، ۱۳۸۵، صص. ۷۸-۷۶).

واضح است که این علوم در کنار ذهن به موضوع‌های دیگری نیز می‌پردازند؛ برای نمونه در مورد علوم رایانه پژوهشگرانی که در حوزهٔ هوش مصنوعی کار می‌کنند را می‌توان دانشمندان شناختی^۲ به‌شمار آورد. همچنین از شاخه‌های گوناگون (از علوم تربیتی گرفته تا زیست‌شناسی) به‌عنوان زیرشاخه‌های علوم شناختی یاد شده است. امروزه در مراکز تحقیقاتی عمدهٔ دنیا مجموعه‌ای از دانشمندان برای انتقال دانش از علوم پایه و اعصاب شناختی به صنعت و دیگر زمینه‌های زندگی بشر در حال تحقیق هستند و به دلیل تأثیر اقتصادی و نظامی و نیز تأثیر بر وضعیت بهداشت و سلامت جامعه، هزینه‌های هنگفتی صرف آن می‌شود و نشان می‌دهد که جامعه صنعتی دریافته است که قرن آینده قرن علوم اعصاب و رشته‌های وابسته به آن است. ما معتقدیم رشد علوم اعصاب و دانش ما از مغز و قابلیت‌هایش که سریع‌تر از علم فیزیک بوده است می‌تواند در دهه‌های آینده در زندگی بشر در زمینه‌های مختلف نقش مهمی ایفای کند (پایگاه اینترنتی تحلیلی خبری عصر ایران، خبر ۲۴۳۷۵۶).

شخصیت: شخصیت را می‌توان آن الگوهای معین و مشخصی از تفکر، هیجان و رفتار تعریف کرد که سبک شخصی فرد را در تعامل‌های او با محیط مادی و اجتماعی‌اش رقم می‌زنند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۴۷۰ به نقل از اصغرزاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۲).

۱. Epistemology

۲. Cognitive Scientist

شخصیت عبارت است از مجموعه‌ای سازمان‌یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً پایدار و مداوم که بر روی هم فرد را از سایر افراد متمایز می‌کند (کریمی، ۱۳۸۷، ص. ۶۳). اگر در زندگی روزمره از ما بخواهند که شخصیت کسی را توصیف کنیم، شاید از صفاتی شخصیتی نظیر برونگرا و باوجدان استفاده می‌کنیم.

۲-۱-۴- تحلیل

به‌ندرت ممکن است اطلاعات به‌خودی‌خود گویا باشند و ضروری است که توسط افراد زیرک و کارآزموده کشور، گروه و موضوع مورد بحث را درک می‌کنند، تفسیر گردند. این تلاش در تحلیل (یا ارزیابی در واژه‌شناسی انگلیسی) به جستجویی برای یافتن دیدگاه‌هایی از درون معنای داده‌های خام و ارزش‌گذاری نشده منجر می‌شود. اطلاعاتی که در خارج از کشور از طریق جاسوسان (نیروی اطلاعاتی) و تجهیزات اطلاعاتی گردآوری شده است، باید از آنچه تحلیل‌گر می‌داند یا می‌تواند از منابع عمومی، خواه آرشیوهای کتابخانه کنگره، اینترنت یا روزنامه واشنگتن‌پست دریابد، آگاه شود. هر زمان تحلیل‌گر کاوش خود را در «منابع آشکار اطلاعاتی» (اوسینت) به پایان رساند می‌تواند این چارچوب گسترده را با اطلاعاتی که دارای ارزش افزوده هستند و از منابع اطلاعاتی محرمانه ناشی شده‌اند، تکمیل کند؛ به عبارت دیگر، تحلیل‌گر به شیوه محققان دانشگاهی، البته با یک مرحله اضافی که شامل ادغام منابع محرمانه با کار خود می‌شود، عمل می‌کند. این بخش‌های اضافی ممکن است باعث ارتقای سطح ارزشی یافته‌هایی گردند که دانش‌آموخته دانشگاهی با استفاده از منابع موجود کتابخانه‌ای یا اینترنتی برای رئیس‌جمهور آماده می‌کند (حسینی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۴).

۲-۱-۵- سواد

سواد به معنای میزان دریافت آگاهی و برداشت اطلاعات از موضوعی که بر اثر برقراری یک ارتباط با محیط اطراف خواه از طریق اطرافیان و یا در مواجهه با حوادث، رویدادها و حتی از طریق بصری حاصل شده باشد و در نتیجه دارای یک بازخورد باشد (استرکی و قلی‌زاده سلطان‌آبادی، ۱۳۹۹، ص. ۳).

۲-۱-۶- رسانه

وسیله‌ای است برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه. رسانه را وسیله‌ای می‌دانند که پیغامی را از جایی به جای دیگر می‌رساند. رسانه به معنای هر وسیله‌ای است که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای به دیگران باشد (امینی، ۱۳۸۹، ص. ۲۵).

هر منبع اطلاعاتی که دانش و اطلاعاتی را به شخصی منتقل کند رسانه گویند. خواه کتاب، پوستر، نقاشی و یا حتی استادی که در یک کلاس تدریس می‌کند، باشد.

۲-۲- سواد رسانه‌ای^۱

سواد رسانه‌ای مفهومی قدیمی است که نخستین بار «مارشال مک‌لوهان» در سال ۱۹۶۵ به کار برد. او معتقد بود در دوره دهکده جهانی باید انسان‌ها به سواد جدیدی به نام سواد رسانه‌ای دست یابند (شیلر، ۱۳۷۷، ص. ۱۸ به نقل از خانی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۸). سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از چشم‌اندازهاست که ما به‌طور فعالانه برای قرارگرفتن در معرض رسانه از آنها بهره‌برداری می‌کنیم تا معنای پیام‌هایی را که با آنها مواجه می‌شویم، تفسیر کنیم. ما چشم‌اندازهای خود را با استفاده از ساختار دانش خود می‌سازیم برای ساختن ساختارهای دانش به ابزار و مواد اولیه نیاز داریم. حالا این ابزارها، مهارت‌های ماست؛ و ماده اولیه آن هم اطلاعات به‌دست‌آمده از رسانه‌ها و دنیای واقعی است. استفاده فعالانه بدان معناست که ما از پیام‌ها آگاهیم و به‌طور آگاهانه با آنها در تعاملیم. در بعضی از کشورها سواد رسانه‌ای به‌صورت رسمی از سوی نظام آموزش و پرورش نه فقط برای آگاهی و درک بهتر، بلکه برای آزادی عمل انتقادی پذیرفته شده است.

سواد رسانه‌ای در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آنها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد این درک به چه کاری می‌آید؟ به زبان ساده، سواد رسانه‌ای مثل یک رژیم غذایی است که هوشمندانه مراقب است که چه موادی مناسب هستند و چه موادی مضر؛ چه چیزی را باید مصرف کرد و چه چیزی را نه و یا اینکه

۱. Media Literacy

میزان مصرف هر ماده بر چه مبنایی باید استوار باشد. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها پیام‌موزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج‌شده و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که درنهایت به نفع خود آنان باشد. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا از سفره رسانه‌ها به‌گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شد.

به‌عنوان مثال زمانی که در بزرگراه‌های اطلاعاتی حرکت می‌کنید، سواد رسانه‌ای می‌تواند به شما بگوید چه مقدار از وقتتان را در چه وب‌گاه‌هایی - اعم از شناخته‌شده و ناشناخته - و چه مقدار از آن را فرضاً در اتاق‌های گفتگوی اینترنتی (چت‌روم‌ها) بگذرانید؛ بنابراین می‌توان گفت که هدف سواد رسانه‌ای در نخستین گام‌های خودتنظیم یک ارتباط منطقی و مبتنی بر هزینه - فایده با رسانه‌هاست. به این معنا که در برابر رسانه‌ها چه چیزهایی را از دست می‌دهیم و چه چیزهایی را به دست می‌آوریم و باز به عبارت بهتر؛ در مقابل زمان و هزینه‌ای که صرف می‌کنیم چه منافعی درنهایت به دست می‌آوریم. پس یکی از هدف‌های اصلی سواد رسانه‌ای این است که استفاده مبتنی بر آگاهی و بافایده از سپهر اطلاعات را تأمین کند.

رسانه‌ها بر مسائل سیاسی و تغییرات اجتماعی تأثیر زیادی دارند. صرف‌نظر از تغییر و تحول خواسته‌های شهروندی، شتاب بخشی و تعدیل و نیز تغییرات در کار ویژه‌های دولتی که منجر به نظارت و ثبات سیاسی بیشتر می‌شوند، رسانه‌ها در پس نقاب آزادی‌گرایی منافع سیاسی - اجتماعی دولت‌های صاحب سلطه را تأمین می‌کنند (شیلر، ۱۳۷۷، ص. ۱۸ به نقل از خانی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۹).

۲-۳- روان‌شناسی شناختی

روان‌شناسی شناختی به‌عنوان یکی از رشته‌های فرعی علوم شناختی و فراشناختی با بهره‌گیری از یافته‌های علم اعصاب، زبان‌شناسی، علوم رایانه و هوش مصنوعی و فلسفه ذهن توانسته است در چند دهه گذشته بسیاری از رازهای کارکرد پیچیده مغز انسان را بگشاید. روان‌شناسی شناختی به بررسی کارکردهایی می‌پردازد که سال‌ها روان‌شناسان و پژوهشگران به دلیل ممکن نبودن دسترسی مستقیم به آنها و در اختیار نداشتن فناوری‌های لازم برای مطالعه علمی، آنها را از حوزه روان‌شناسی کنار گذاشته بودند.

اکنون روان‌شناسان با تکیه بر یافته‌های علوم شناختی و فراشناختی، کشف شیوه‌های جدید پژوهش و اختراع فناوری‌های جدید تصویربرداری، این توانایی را کسب کرده‌اند که کارکردهای مغز را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. روان‌شناسی شناختی به بررسی پدیده‌هایی چون هشیاری، توجه ادراک، حافظه، بازنمایی دانش، زبان، حل مسئله، خلاقیت، تصمیم‌گیری، استدلال و هوش می‌پردازد و تا امروز توانسته است حقایق بسیاری را دربارهٔ هریک از زمینه‌های بالا را کشف کند.

محققان این رشته در ابتدا سعی نمودند تا تفکر انسان را به اجزای کوچک‌تری تقسیم کرده و قوانین و گرامر مشخصی برای کنار هم قرار گرفتن این اجزاء بیابند. به عقیدهٔ آنها تفکرهای مختلف ناشی از آرایش‌های مختلف این واحدهای کوچک‌تر فکری بود. بعدها این نحوهٔ بررسی زیر سؤال رفت و نظریه‌هایی مطرح شد که در آنها ادراک‌های مختلف ناشی از کم‌شدن یا زیاد شدن شدت اتصال‌های خاصی در علوم شناختی است (قلی‌زاده و راسخی، ۱۳۹۸، ص. ۱۸).

روان‌شناسی شناختی به بررسی فرایندهای درونی ذهن از قبیل حل مسئله، حافظه، ادراک، شناخت، زبان و تصمیم‌گیری می‌پردازد. موضوع‌هایی از این قبیل که انسان چگونه و با چه ساختاری به درک، تشخیص و حل مسئله می‌پردازد و اینکه ذهن چگونه اطلاعات دریافتی از حواس (بینایی یا شنوایی) را درک می‌کند و یا اینکه حافظه انسان چگونه عمل می‌کند و چه ساختاری دارد؛ از عمده مسائل قابل توجه دانشمندان این رشته است که با استفاده از روش تحقیق علمی و بررسی موارد قابل مشاهده دنبال می‌شود و از این طریق فرایندها و پدیده‌های ذهنی مانند باور، خواست و انگیزش مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از زیرمجموعه‌های روان‌شناسی شناختی می‌توان رشته‌های نوروسایکولوژی^۱، روان‌شناسی بالینی، روان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی قانونی، روان‌شناسی صنعتی و سازمانی با گرایش‌های شناختی را نام برد (بیابانگرد، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۳).

^۱. Neuroscience

۲-۴- انواع فراشناخت

برای درک فرایندهای مهم در اختلال اضطراب تعمیم‌یافته سه نوع فراشناخت وجود دارد: ۱. دانش فراشناختی؛ ۲. راهبردهای نظارت فراشناختی؛ ۳. روان‌شناسی شناختی.

۱- دانش فراشناختی به باورها و نظریه‌هایی اشاره دارد که افراد در مورد شناخت خود دارند؛ نظیر باورها در مورد معنای نوع خاصی از افکار و باور در مورد اثربخشی حافظه و نظارت شناختی. در نظر گرفتن دو نوع دانش فراشناختی آشکار و دانش فراشناختی ضمنی^۱ به‌ویژه در زمینه اختلال هیجانی مفید است. دانش فراشناختی آشکار، دانشی هشیار است. برای مثال افراد مبتلا به اختلال اضطراب تعمیم‌یافته معتقدند که نگران بودن، پایش نشدنی و خطرناک است و برخی نیز باور دارند که نگران بودن می‌تواند مزایایی داشته باشد.

۲- راهبردهای نظارت فراشناختی پاسخ‌هایی هستند که افراد برای نظارت فعالیت‌های نظام‌شناختی نشان می‌دهند. این راهبردها ممکن است راهبردهای تفکر را افزایش یا کاهش دهند و به افزایش فرایندهای نظارتی کمک کنند. در زندگی روزمره، افراد از راهبردهایی که دامنه آن از استفاده از وسایل کمک حافظه‌ای برای رمزگردانی (استفاده از یادیارها یا مرور ذهنی مواد به خاطر^۲ سپرده‌شده تا راهبردهای یادآوری نظیر نشانه‌گذاری) بهره می‌گیرند. در اختلال‌های بالینی، راهبردهای نظارت اغلب مشتمل بر تلاش‌هایی برای نظارت جریان هشیار است (ریسبرگ، ۳، ۱۹۸۹).

۳- روان‌شناسی شناختی یکی از دیدگاه‌های نظری است و مدعی است که هدف روان‌شناسی علمی، مشاهده رفتار به‌منظور استنتاج، درباره عوامل نامشهود و زیر بنایی است که ممکن است تعیین‌کننده اعمال مشهود باشد. در روان‌شناسی شناختی از مشاهده‌ها، استفاده می‌شود تا استنتاج‌هایی درباره عواملی همچون تفکر، زبان، معنا و صورت‌های ذهنی انجام گیرد (استرنبرگ، ۱۳۹۶).

مسئله بازنمایی ذهنی نیز از سوی فلاسفه یونانی و در زمینه آنچه امروزه به‌عنوان ساختار و فرایند شناخته می‌شود مورد بحث قرار گرفته است. بحث در مورد ساختار

^۱. Implicit metacognitive knowledge

^۲. Cueing

^۳. Reisberg

فرایند تا قرن نوزدهم جنبه مسلط داشت و مرکز علاقه، طی سال‌ها از ساختار به فرایند و به‌عکس تغییر کرده است.

فلاسفه و الهیون عصر روشنگری به‌طور معمول معتقد بودند که محل دانش در مغز است و برخی کوشیدند محل آن را از نظر گرافیکی مشخص کنند. آنها معتقد بودند که دانش از طریق حواس فیزیکی کسب می‌شود؛ اما همچنین ناشی از منابع الهی نیز هست در طول قرن هجدهم وقتی روان‌شناسی فلسفی به نقطه‌ای رسید که در آن روان‌شناسی علمی توانست نقشی قبول کند، تجربه‌گرایان انگلیسی - برکلی^۱، هیوم^۲ و جمیز میل^۳ و پدرش جان استوارت میل^۴ ابراز داشتند که بازنمایی ذهنی سه نوع است: ۱. رویدادهای مستقیم (ادراک واقعیت)؛ ۲. رونوشت‌های کم‌رنگ از ادراک‌ها یا چیزهایی که در حافظه ذخیره می‌شوند؛ ۳. تبدیل این رونوشت‌های کم‌رنگ چون تفکر متداعی.

شاید هیچ رویداد واحدی نشانه پایان دوران مکتب تداعی و آغاز انقلاب شناختی در دوران‌شناسی آمریکایی نبوده است. انقلاب شناختی حداقل در آغاز روندی آرام داشت. بدون شک «زمان آن فرارسیده بوده.» زیرا روان‌شناسان آمریکایی روزبه‌روز با دیدن محدودیت‌های نظری و روش رفتارگرایی ناامیدتر می‌شدند. تحقیقات زبان‌شناسان درباره طبیعت تکوین زبان شواهدی را به ضد دیدگاه محیط‌گرایی تندرویی که رفتارگرایی پیشنهاد می‌کرد، فراهم آورد عامل مهم دیگر ظهور رایانه بود که هم استعاره‌ای معتبر برای پردازش اطلاعات توسط انسان عرضه کرد و هم ابراز مهمی را برای کشف فرایندهای شناختی انسان در اختیار محققان قرارداد.

فراتر از این گرایش عمومی آثار تعدادی از افراد در هدایت روان‌شناسی به سمت انقلاب شناختی آشکارا نقش حیاتی داشته است. برای نمونه کتاب اصول روان‌شناسی که توسط ویلیام جیمز در سال ۱۸۹۰ منتشر شد فصل‌هایی درباره توجه، حافظه، تصویر-ذهنی و استدلال بود و لفکانگ کهلر^۵ ذهنیت میمون‌های انسان‌نما را در سال ۱۹۲۵ منتشر کرد که فرایندهای رایج در تفکر پیچیده را بررسی نموده است، وی و

^۱. Berkeley

^۲. David Hume

^۳. James Mill

^۴. John Stuart Mill

^۵. Lefkang Kohler

سایر روان‌شناسان گشتالت بر فهم ساختاری تأکید داشتند، این توانایی که برای فهمیدن کیفیت یک شیء بهتر است کل اجزاء باهم باشند. کتاب دیگری که تأثیر عمده‌ای در شکل‌گیری روان‌شناسی شناختی داشته «رفتارگرایی» بود که توسط جان بی واتسون^۱ (۱۹۲۴) منتشر شد. سخن اصلی این بود که روان‌شناسان فقط باید چیزی را که به‌طور مستقیم در رفتار شخص مشاهده کنند تا به مطالعه آن پردازند. واتسون از رویکرد $S - R$ حمایت می‌کرد که در آن آزمایش‌گران چگونگی پاسخ فرد به یک محرک را اندازه می‌گیرند. رویکرد محرک - پاسخ با دیدگاه واتسون سازگار بود. چون محرک و پاسخ دو چیز قابل مشاهده بودند؛ مشکل این رویکرد این بود که آن چیزی که شخص با حاضرکردن اطلاعات در مقابل محرک‌ها انجام می‌داد به‌طور واقعی قابل مشاهده و آشکار نبود، به این منظور رویکرد پردازش اطلاعات سعی کرد که چگونگی اینکه یک شخص اطلاعاتش را بین محرک و پاسخ منتقل می‌کند را شناسایی نماید (استرنبرگ، ۱۳۹۶).

اولویج^۲ (۱۹۶۷) نخستین تعریف از حوزه جدید روان‌شناسی شناختی را عرضه کرد. قبل از آن از آثار برونو با دیوید آزوبل^۳ نام می‌برند که بر ساختاری بودن شناخت تأکید داشتند. برخی دیگر نقطه آغازین را مقاله میلر^۴ (۱۹۵۶) «نمره سحرآمیز هفت به اضافه یا منهای دو» می‌دانند. برخی از محدودیت‌های ظرفیت ما را در پردازش اطلاعات می‌دانند. بسیاری از مؤلفان، جنگینتر در مجله «روان‌شناسی آمریکایی» سال ۱۹۷۴ را شروع گرایش شناختی ذکر می‌کنند که در آن تفاوت‌های اساسی بین تعداد زیادی از تحقیقات مربوط به درگیری طوطی‌وار که او و دیگران در طول یک نسل انجام داده بودند با آنچه خود آنها در چارچوب الگوی برجسته جدید شناختی انجام داده‌اند، مقایسه کرده‌اند. برخی دیگر در مقاله چارچوب توسط ماروین مینسکی^۵ (۱۹۷۵) را نام می‌برند که در آن خصوصیات لازم برای دستگاه بینایی به‌منظور تمیز اشیای ساده تشریح شده است. این مقاله بر کارکرد حیاتی ساختارهای ذهنی در تفکر و

^۱. John B. Watson

^۲. Olivage

^۳. Brond & Deivid Azobel

^۴. Miler

^۵. Marvin Minsky

تصمیم‌گیری انسان تأکید کرده است. به موضوعی که دیگران نیز آن را در مفهوم ذی‌ربط «نسخه‌ها» و «طرح‌واره‌ها» منعکس کرده‌اند (قلی‌زاده و راسخی، ۱۳۹۸، صص. ۳۰-۳۱).

در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی برای نگرش بهتر به بحث تجزیه و تحلیل نیازمند یادگیری علوم شناختی و فراشناختی و در سطح گسترده‌تر روان‌شناسی شناختی هستند لذا پرداختن به الگوهای تجزیه و تحلیل را در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی در ادامه می‌آوریم:

۲-۵- الگوهای تجزیه و تحلیل در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی

مدیریت سنتی و نوین: بررسی‌ها نشان می‌دهد، اصلی‌ترین وجه تمایز مدیریت سنتی و نوین، در چگونگی تعامل با انسان و ماشین است. در مدیریت سنتی ماشین اصل و انسان فرع است و در مدیریت نوین انسان اصل و ماشین فرع است. امروزه یکی از اصول عمده و نقطه مشترک اکثر فعالیت‌های کیفی سازمان‌ها، مشارکت و مداخله کارکنان است. برنامه‌های مشارکت کارکنان، در سازمان‌های با سبک مدیریت جدید رواج گسترده‌ای یافته است؛ بنابراین، به زبان ساده، مدیریت مشارکتی، نماد سبک جدید است؛ به عبارت دیگر، شیوه سنتی که در دوران ثبات و رشد پایدار خوب عمل کرد، در عصر رقابت شدید و تغییر سریع، بی‌اثر است.

اکنون زمانه تغییر کرده و وضعیت به گونه‌ای دیگر است. در آینده نیز این روند تشدید می‌شود، زیرا هرچه زمان بگذرد کارکنان تحصیلات بهتری خواهند داشت و راضی نمی‌شوند یک‌سوم زندگی خود را صرف شغلی نمایند که رضایت آنها را جلب نکند و یا پاداش‌های معنوی در بر نداشته باشد؛ بنابراین، شیوه مدیریت سنتی در محیط امروزی، چندان مؤثر و کارا نیستند. در واقع، این شیوه برای عصر دیگری طراحی شده بود و در آینده نیز فقط شیوه مدیریت جدید جواب‌گوی نیازهای سازمان‌ها نخواهد بود.

در آینده سازمانی موفق است که افزون بر مشارکت کارکنان، قدرت انطباق با تغییرهای فراوان گسترده، ژرف و سریع را داشته و برای رسیدن به این نقطه سامانه‌ای

را طراحی کرده باشد که بتواند از مشارکت‌های فکری کارکنان به بهترین وجه ممکن بهره‌مند شود.

بر این اساس، سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی نیز با توجه به تغییرهای بحث‌انگیز مباحث امنیتی باید بتوانند با سرعت مناسب خود را با تغییرهای مربوط انطباق دهند. این مهم بستگی به قدرت تجزیه و تحلیل آنها نسبت به پدیده‌های جدید امنیتی در هر زمان دارد؛ به عبارت دیگر هرچه قدرت تحلیل در این سازمان‌ها افزایش یابد امکان انطباق با تغییرهای به هم تنیده امنیتی نیز به تبع آن بیشتر می‌گردد.

۲-۶- مفهوم‌شناسی تحلیل

«تحول تحلیل اطلاعاتی، تحت تأثیر تحول‌های عصر ارتباطات و گسترش اطلاع‌رسانی آشکار از طریق شبکه‌های الکترونیکی جهانی است. تحت تأثیر این تحول، ارتباط تولیدکننده و مصرف‌کننده اطلاعات دچار دگرگونی بسیاری شده و چگونگی کار تحلیل‌گران اطلاعاتی حداقل در سه حوزه ساختار، سرعت عمل و شرایط ارزیابی دستخوش تحول شده است» (گروه مطالعات استراتژیک دفاعی، ۱۳۸۳، ص. ۸۳).

«تحولات عصر ارتباطات باعث افزایش تعداد و تنوع مصرف‌کنندگان اطلاعات و گسترش حیطه اطلاعات به ابعاد مختلف زندگی انسانی شده؛ بنابراین، جامعه اطلاعاتی نه تنها بایستی به ادامه بقای خود بیندیشد بلکه باید برای پاسخگویی به این نیازهای جدید برنامه‌ریزی نماید، چراکه ادامه بقای اطلاعات فقط با ادامه پاسخگویی به نیازهای جدید ممکن است تحلیل اطلاعات به سبک سنتی به‌طور طبیعی اطلاعات را از ادامه کار بازمی‌دارد» (گروه مطالعات استراتژیک دفاعی، ۱۳۸۳، ص. ۸۴).

«اکنون، اطلاعات و منابع تهیه آن، قارچ‌گونه در حال رشد هستند و فناوری‌های انتقال اطلاعات نیز در سراسر دنیا به سرعت در حال پیشرفت‌اند. در چنین موقعیتی، کار اطلاعات فقط به تهیه اسرار محدود نمی‌شود؛ بلکه وظیفه آن ایجاد درک بسیار دقیقی از جهان با استفاده از تمامی منابع است» (گوری و ترورتن، ۱۳۸۳، ص. ۲۷).

از آنجاکه تجزیه و تحلیل اخبار و اطلاعات، از کارویژه‌های سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی است، این مسئولیت بر دوش جامعه اطلاعاتی است که خود را با وضعیت جدید منطبق کند. یک جامعه اطلاعاتی غیرمتمرکز که از طریق ساز و کارهایی شبیه بازار اداره

می‌شود، با فضای جدید سازگاری بیشتر و بهتری دارد. با این حال مسئله خودبه‌خود حل نمی‌شود. تولیدکنندگان اطلاعات نیازمند آشنایی با منابع کاملاً جدید اطلاعات هستند. بسیاری از این منابع جدید محرمانه نیست و اطلاعات نیازمند توسعه راه‌های جدید برای تعیین درستی و نادرستی چنین اخباری است. در دوره جنگ سرد تحلیل‌گران آموختند که چگونه از منابع پنهان استفاده کنند تا محدودیت‌های جمع‌آوری فنی را دریابند. در آینده تحلیل‌گران نیازمند درک مفاهیم و اعتبار علمی اطلاعات از منابعی همچون اینترنت هستند که از طریق آن هرکسی می‌تواند، آزادانه هر چیزی را منتشر کند.

انجام هر کاری که برای بهبود کیفیت تحلیل ضروری باشد، یک سری چالش‌های جدید را بر مدیران اطلاعاتی تحمیل می‌کند. آنها مجبور هستند تحلیل‌گران را به داشتن ارتباط با سیاست‌سازان تشویق نموده و بر پایه مجموعه‌ای از داده‌ها و منابعی که برای کارشناسان حرفه‌ای اطلاعات تازگی دارند، قضاوت کنند. بهبود امر تحلیل همان‌قدر به چرخشی عاقلانه و اساسی نیازمند است که به شیوه‌ها، آموزش و مدیریت جدید نیاز دارد (برکوویتز و گودمن، ۱۳۸۲، صص. ۱۸۹-۱۸۸).

«امروزه بسیاری از سازمان‌ها به نقش سامانه در هدایت و هماهنگ کردن فعالیت‌ها در راستای هدف‌های سازمان پی برده‌اند. همچنین با اعمال مدیریت نوین می‌توان از ابزاری که سامانه در اختیار مدیریت قرار می‌دهد، به‌صورت کارا و مؤثر بهره‌جست و به هدف‌هایی از قبیل رضایت کارکنان و ایجاد انگیزه در آنها، رضایت مشتری، فراهم‌نمودن محصولات مطابق با نیازها و انتظارات آنها و بهبود مستمر با برنامه‌ریزی صحیح دست یافت» (علوی، ۱۳۷۹، ص. ۱).

هر سازمان اطلاعاتی - امنیتی می‌تواند با تغییر ساختار امکان انطباق تدابیر امنیتی خود را با تغییرات سریع و ژرف دنیای امروز فراهم نموده، تهدیدهای ناشی از این وضعیت را به فرصت تبدیل و به‌طور دائم نیز این توانایی را تقویت نماید. برای شکل‌گیری این فرایند می‌باید در هر یک از قسمت‌ها به‌وسیله تحلیل‌گران زبده، به‌طور مستمر وضع موجود بازنگری، نیازمندی‌های واقعی و حقیقی مشتریان اطلاعاتی

شناسایی و هدف‌های کلان و شاخص‌های موردنیاز برای سنجش میزان رشد کیفیت کار مشخص گردند.

«ترنر که از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ رئیس سازمان سیا بوده، پیشنهادهایی برای اصلاح ساختار سازمان سیا ارائه و عنوان نموده: ضرورت انجام اصلاحات در مدیریت اطلاعات سازمان سیا و ارتباط آن با پایان جنگ سرد، موجب گردید که توجه بیشتری به ایجاد تغییر در گستره سازمان و موضوع‌های موردبررسی معطوف گردد. انجام این تغییرها فقط محدود به کاهش اندازه سازمان و موضوع‌های موردبررسی آن نخواهد بود، بلکه ایجاد تحولات اساسی در اولویت‌ها و نیز کاهش هزینه‌ها، نیازمند تجدیدنظر در هدف‌های اصلی و روند تحلیل‌های اطلاعاتی است» (گادسون، آرمی و اشمیت، ۱۳۸۰، ص. ۱۱).

«زمانی مشکل اصلی سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی، جمع‌آوری اطلاعات بود ولی در حال حاضر انتخاب اطلاعات، از میان انبوه موارد جمع‌آوری‌شده، مشکل و وظیفه اصلی اطلاعات را تشکیل می‌دهد.» (گوری و ترورتن، ۱۳۸۳، ص. ۱۲). «اطلاعات بدون آنکه مطمئن باشد چه کاری را برای چه کسی انجام می‌دهد، به‌سوی مقصد نامعلوم در حرکت است. هم‌اکنون اطلاعات با یک هدف اطلاعاتی واحد روبه‌رو نیست؛ بنابراین، اطلاعات به‌شدت نیازمند یک بازسازی اصولی متناسب با عصر اطلاعات است» (همان، صص. ۲۶-۲۵).

بر این اساس تحلیل موشکافانه، مشکل و وظیفه اصلی سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی است؛ زیرا دستگاه اطلاعاتی - امنیتی به تناسب افزایش اطلاعات می‌بایست، دیدگاه درست‌تری از اطلاعات و توانایی‌های آن پیدا کند. به‌گونه‌ای که تحلیل اخبار و اطلاعات امکان تولید اطلاعات جدیدتری را فراهم نماید، نه اینکه فقط امکانات و مقهورهای خود را به تولید و انباشت اخبار و اطلاعات معطوف سازد. لذا پرواضح است که این اطلاعات بر تمامی اقشار تأثیر خود را خواهد گذاشت و از آن‌جهت که رسانه‌ها نشردهنده اصلی و جامع اطلاعات‌اند تأثیر آنها بر جامعه و به‌خصوص سازمان‌های امنیتی بسیار مهم جلوه می‌کند.

۲-۷- تأثیر رسانه‌ها بر امنیت کشورها

رسانه‌های جمعی می‌توانند به راحتی امنیت روانی و ذهنی افراد جامعه را نشانه رفته و با تلقین احساس ناامنی، خاطرهای را آشفته کنند و با تغییر بینش‌ها و جابه‌جا کردن ارزش‌ها، زیرساخت‌های فرهنگی جوامع را متزلزل سازند. رسانه‌های جمعی، قادر هستند دولت‌ها را نیز با چالش‌های جدی مواجه سازند. رسانه‌ها، با پیدایش و گسترش ماهواره‌ها و اینترنت، در عمل، مرزهای جغرافیایی را از بین بردند و با پخش برنامه‌های فرامرزی، اصل حاکمیت دولت‌ها را نشانه می‌گیرند و موجبات نارضایتی عمومی را در جوامع پدید می‌آورند (عرب‌انصاری، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۵). با توجه به بررسی تأثیر رسانه‌ها بر امنیت کشورها لزوم تبیین انواع سواد در شرایط کنونی پررنگ‌تر نشان می‌دهد برای این منظور به انواع سواد از نظر یونسکو می‌پردازیم:

۲-۸- انواع سواد از نظر یونسکو



نمودار ۱. انواع سواد از نظر یونسکو

حالا یونسکو هم در جدیدترین تعریفش از سواد همان حرف سعدی را زده است.

● شاید برایتان جالب باشد که بدانید مفهوم سواد در قرن گذشته، تغییرات بسیاری کرده است و این چهارمین تعریف سواد است که توسط یونسکو به صورت رسمی اعلام می‌شود.

به طور خلاصه و طبق این تعریف، باسواد کسی است که بتواند از خواننده‌ها و دانسته‌های خود در زندگی خود تغییری ایجاد کند.

با تعریف جدیدی که یونسکو ارائه داده باسوادی، توانایی تغییر است و باسواد کسی است که بتواند با آموخته‌هایش، تغییری در زندگی خود ایجاد کند.

● اولین تعریف: توانایی خواندن و نوشتن

● دومین تعریف: اضافه شدن یادگرفتن رایانه و یک زبان خارجی در اواخر قرن بیستم، سازمان ملل تعریف دومی از سواد را ارائه کرد.

● سومین تعریف: اضافه شدن ۱۲ نوع سواد

۱- سواد عاطفی: توانایی برقراری روابط عاطفی با خانواده و دوستان

۲- سواد ارتباطی: توانایی برقراری ارتباط مناسب با دیگران و دانستن آداب

اجتماعی

۳- سواد مالی: توانایی مدیریت مالی خانواده، دانستن روش‌های پس‌انداز و توازن

دخل و خرج

۴- سواد رسانه‌ای: این که فرد بداند کدام رسانه معتبر و کدام نامعتبر است

۵- سواد تربیتی: توانایی تربیت فرزندان به نحو شایسته

۶- سواد رایانه‌ای: دانستن مهارت‌های راهبری رایانه

۷- سواد سلامتی: دانستن اطلاعات مهم درباره تغذیه سالم و کنترل بیماری‌ها.

۸- سواد نژادی و قومی: شناخت نژادها و قومیت‌ها بر اساس احترام و تبعیض

نگذاشتن.

۹- سواد بوم‌شناختی: دانستن راه‌های حفاظت از محیط‌زیست.

۱۱- سواد تحلیلی: توانایی شناخت، ارزیابی و تحلیل نظریه‌های مختلف و ایجاد

استدلال‌های منطقی بدون تعصب و پیش‌فرض.

۱۲- سواد انرژی: توانایی مدیریت مصرف انرژی.

۱۳- سواد علمی: علاوه بر سواد دانشگاهی، توانایی بحث یا حل و فصل مسائل با راهکارهای علمی و عقلانی مناسب.

● چهارمین و جدیدترین تعریف: علم با عمل معنا می‌شود

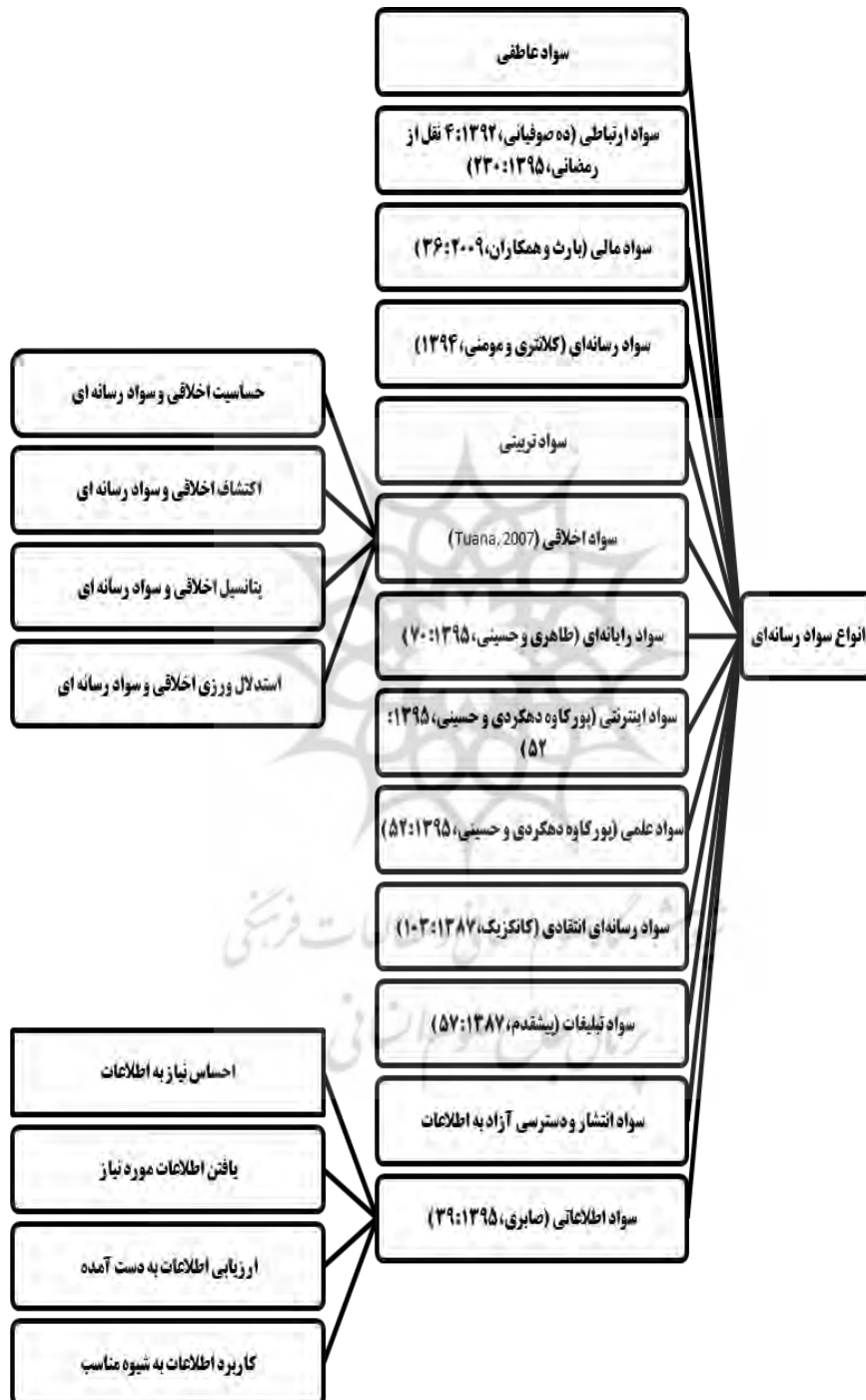
با این حال و به تازگی «یونسکو» یک بار دیگر در تعریف سواد تغییر ایجاد کرد. در این تعریف جدید، توانایی ایجاد تغییر، ملاک باسوادی قرار گرفته است، یعنی شخصی باسواد تلقی می‌شود که بتواند با استفاده از خواننده‌ها و آموخته‌های خود، تغییری در زندگی خود ایجاد کند. در واقع، این تعریف مکمل تعریف قبلی است؛ چراکه، صرفاً دانستن یک موضوع به معنای عمل به آن نیست.

در صورتی که مهارت‌ها و دانش آموخته شده باعث ایجاد تغییر معنادار در زندگی شود، آنگاه می‌توان گفت این فرد، انسانی باسواد است (پارک علم و فناوری).

۲-۹- انواع سواد در قرن ۲۱

اگرچه تعریف قدیمی سواد، توانایی نوشتن و خواندن است، ولی امروزه در قرن ۲۱ توانایی خواندن و نوشتن، تنها بخش کوچکی از تعریف سواد است و حتی داشتن مدارک و مدارج عالی دانشگاهی نیز دلیل باسوادی افراد نیست. نظام آموزش و پرورش ایران با انتشار کتاب درسی تفکر و سواد رسانه‌ای در پایه دهم در سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵، گام نخست برای آموزش یکی از سوادها با عنوان سواد رسانه‌ای برداشته است. با همه این توصیف‌ها هنوز راه طولانی برای باسواد شدن در عصر حاضر باقی است (سایت نسیم نیوز).

لذا با توجه به رشد و گسترش سواد و لزوم دستیابی به این علم؛ نویسندگان در این مقاله در نمودار زیر سعی کردند تا علاوه بر لازم دانستن سوادها مطرح شده جاری سوادهای مرتبط با سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی را نشان دهند؛ بنابراین دارا بودن سوادهای ذیل برای یک تحلیل‌گر اطلاعاتی در سازمان‌های مذکور بسیار مهم و حیاتی است.



نمودار ۲. انواع سواد رسانه‌ای (محقق ساخته)

۲-۱۰- سواد اطلاعاتی و آموزش سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای اغلب مترادف با سواد اطلاعاتی به کار می‌رود. در حالی که از نگاه یونسکو، سواد اطلاعاتی، بر اهمیت دسترسی به اطلاعات و ارزیابی و استفاده حرفه‌ای اطلاعات تأکید دارد اما سواد رسانه‌ای بر درک کارکرد رسانه‌ها ارزیابی و تحلیل کارکردها و چگونگی تعامل عقلانی با رسانه‌ها در جهت استقلال فردی تأکید می‌کند (یونسکو، ۲۰۱۱، ص. ۱۸). رسانه‌ها بر تجربه افراد و افکار عمومی تأثیر و نفوذ گسترده‌ای دارد (گیدنز، ۱۳۹۲، ص. ۶۵۳).

سواد دیجیتالی اغلب برای توصیف آموزش مهارت‌های فنی مرتبط با یادگیری آنلاین به کار می‌رود. برخی اوقات، این واژه با سواد رایانه‌ای با هم به کار برده می‌شود که عملکردهای ایمنی در کار با اینترنت را شامل می‌شود. سواد رسانه‌ای انتقادی در آغاز، فقط برای آموزش فنی در چگونگی برخورد و سروکار داشتن با رایانه، اینترنت و منابع کتابخانه‌ای اهمیت داشت؛ اما اکنون این مفهوم، به سوی پوشش دادن همه رسانه‌ها، به عنوان مهارت‌های خوب رسانه‌ای از دید یونسکو، پیش رفته است (آکستراند، ۲۰۰۹، ص ۷)؛ آموزش سواد رسانه‌ای، چارچوبی را برای سواد‌های جدید فراهم می‌کند که برای زندگی، کارکردن و مشارکت شهروندی در قرن بیست و یکم ضروری هستند. این نکته برای توصیف مهارت‌های مورد نیاز شهروندان در قرن بیست و یکم مورد تأکید قرار گرفته است (ثومن و جولز، ۲۰۰۴، ص. ۱۸).

۲-۱۱- اهداف سواد رسانه‌ای

هدف سواد رسانه‌ای هوشیار کردن، اختیاربخشی و آزادسازی مخاطب است. یکی از پیامدهای تحلیل و درک صحیح پیام‌های رسانه‌ای، بالا رفتن سطح آگاهی است که می‌تواند منجر به ایجاد ارتباطات اجتماعی سالم‌تر با رسانه‌ها و تقویت ساختارهای دموکراتیک جامعه گردد و شهروندان می‌توانند از این طریق به مشروع‌سازی گزینه‌های سالم‌تر در رسانه کمک نمایند؛ چراکه یک شهروند فعال و باسواد می‌تواند در ایجاد تغییر اجتماعی مثبت فعالیت کند و عکس‌العمل خود را در برابر رسانه‌ها اعلام نماید و صرفاً بیننده محض نباشد. در نهایت باید بدانیم تعمیم اهداف سواد رسانه‌ای در گرو

داشتن نگاهی دقیق، عمیق و تفکری منتقدانه در جهت انتخاب صحیح گزینه‌های رسانه‌ای است (رهبر، ۱۳۸۱، ص. ۳۶. نقل از عرب‌انصاری، ۱۳۹۲، ص. ۹۵).



نمودار ۳. انواع سواد رسانه‌ای

۱۲-۲- ضرورت سواد رسانه‌ای

هدف سواد رسانه‌ای در نخستین گام‌های خودتنظیم رابطه‌ای منطقی و مبتنی بر هزینه- فایده با رسانه‌هاست. به این معنا که در برابر رسانه‌ها چه چیزهایی را از دست می‌دهیم و چه چیزهایی را به دست می‌آوریم. به عبارت بهتر؛ در مقابل زمان و هزینه‌ای که صرف می‌کنیم چه منافع درنهایت به دست می‌آوریم. پس یکی از اهداف اصلی سواد رسانه‌ای این است که استفاده مبتنی بر آگاهی و بافایده از سپهر اطلاعات را تأمین کند (شکرخواه، ۱۳۸۶).

۱۳-۲- ارتباط با رسانه‌ها

دنیای معاصر اطلاع‌رسانی، دارای پیچیدگی‌های فراوانی است. فهم و درک انسان‌ها از اتفاقات و رویدادهای اطراف خود روزبه‌روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. افراد متفاوت ممکن است از یک اتفاق واحد، برداشت و نگرش ثابتی نداشته باشند؛ زیرا سطح تجربیات افراد، مختلف است و رسانه‌ها نیز عوامل را از دیدگاه‌های گوناگون موردبررسی قرار می‌دهند؛ با توجه به قدرت عظیم رسانه‌ها و نقش روزافزون آنها در شکل‌دهی و انتقال ارزش‌ها و همچنین افزایش میزان استفاده از رسانه‌ها، بدون آنکه برخورد آگاهانه با آنها داشت ممکن است توان ما را از حالت مشارکت‌کننده فعال به صورت انفعالی و بی‌حرکت در مقابل پیام‌های رسانه‌ای درآورد، مسئله مهارت‌های پردازش اطلاعات جدید و بازیافت اطلاعات ذخیره‌شده و تجهیز مخاطبان به ابزار درک

و پردازش پیام‌ها و اطلاعات رسانه‌ای امری اساسی خواهد بود (چشمه‌نور و پوریانی، ۱۳۹۵، ص. ۵۴۱).

بحث و نتیجه‌گیری

سازمان اطلاعاتی - امنیتی با استفاده از تحلیل‌های صحیح، به‌موقع و مناسب می‌تواند از اخبار و اطلاعات موجود مطالب جدیدی استنتاج و با کمترین هزینه بهترین نتیجه را تحصیل کند. بدون استفاده از تحلیل، ضمن اینکه توانایی این کار به‌وجود نمی‌آید، لزوم چنین کاری هم احساس نمی‌شود و افزون بر اینکه ادراک افق‌های جدید اطلاعاتی و امنیتی میسر نمی‌گردد، دسترسی به اطلاعات جدید با هزینه کمتر و انتخاب بهترین راهکارها برای حفظ یا تولید امنیت نیز نوآوری نمی‌گردد؛ تحلیل می‌تواند، دستگاه اطلاعاتی - امنیتی را به چه چیزها، چرایی‌ها، چگونگی‌ها، موانع و راه‌حل‌ها برساند و با استفاده از ساده‌ترین، بهترین، کم‌هزینه‌ترین، کیفی‌ترین، مرغوب‌ترین، بی‌عیب‌ترین و بادوام‌ترین راهکارهای سازمان موردنظر را به واقعیات و حقایق موردنیاز برساند.

برای رفع دشواری‌های تحلیل در سازمان‌های اطلاعاتی، هم باید در پی راه‌حل مولد برای رفع دشواری‌های آن به‌عنوان یک سازمان بود؛ یعنی راه‌حلی را یافت که دشواری‌های سازمان را به‌طور دائم شناسایی و مرتفع کند و هم ضرورت دارد به‌دنبال راه‌حل‌های مولد به‌عنوان یک دستگاه امنیتی برای تولید و حفظ امنیت بود. از این‌رو بهتر است با بهره‌گیری از روان‌شناسی شناختی، علوم شناختی و فراشناختی از بعد رسانه‌ای تا حدی به این راه‌حل‌های مولد دسترسی پیدا کرد؛ از آن جهت که تبیین جایگاه این علوم ما را در شناخت بهتر تحلیل درست اطلاعات پیرامونی در سازمان‌ها یاری می‌کند؛ در نتیجه فراگیری روان‌شناسی شناختی، علوم شناختی و فراشناختی از بعد رسانه‌ای برای همه تحلیل‌گران اطلاعاتی امری اجتناب‌ناپذیر است.

همچنین رسانه‌ها به‌عنوان عامل انتقال فرهنگ، اصلی‌ترین عامل در ایجاد تغییرها در هزاره سوم هستند. رسانه‌ها در عین حال گسترش ارتباطات میان فرهنگی را رقم می‌زنند. افزایش سواد رسانه‌ای در هر جامعه نقش مردم آن را در شکل‌گیری فرهنگ جهانی افزایش می‌دهد. فرهنگ دیگر در چارچوب مرزهای جغرافیایی تعریف نمی‌شود. فرهنگ را همه مردم دنیا می‌سازند؛ بنابراین پایه‌های فکری اعتقادی جوامعی که نقش

پررنگ‌تری در تولید محتوا دارند بیشتر در فرهنگ ترکیبی در حال ساخت، تأثیر دارد. وقتی به سیر تطور و تحول فرهنگ در یک جامعه می‌نگریم، تغییر کند و بطئی آن در طول سالیان را شاهدیم، ولی امروز این تغییر دارای سرعت چشمگیری شده است و همچنین عوامل تأثیرگذار بر این تغییرها بیشتر عوامل بیرونی هستند تا عوامل داخلی. تولید محتوای بیشتر توسط جوامع به‌منزله داشتن سهم بیشتر در فرهنگ مشارکتی است. ارتقای سواد رسانه‌ای علاوه بر ایجاد زمینه برای مشارکت بیشتر و سهم‌گیری افزون‌تر، روحیه انتقادی را افزایش داده و خود به رسیدن سرعت و تغییر بیشتر کمک می‌کند. همگرایی رسانه‌ای، در واقع به این معناست که قدرت رسانه و تولیدکننده‌های رسانه، با قدرت مصرف‌کنندگان رسانه یکی می‌شود.

پرداختن به سواد رسانه‌ای بسیار مهم است. پرواضح است که تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی بر روی آحاد مردم در جامعه، بنا به نوع سن، شغل و تحصیلات آنان، متفاوت است. نقش مدیریت اطلاعاتی رسانه‌های جمعی در هم‌سو کردن مردم جامعه باهدف‌های نهادها و سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی، با توجه نگرش‌های پیش‌گفته حائز اهمیت است. نهادها و سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی در بحران‌های اجتماعی با توجه به کارکردهای رسانه‌های جمعی در جامعه، به‌طور هم‌زمان می‌توانند از چند کارکرد در اثربخشی مؤثر رسانه جمعی در راستای هدف‌های سازمانی خود بر روی مردم جامعه و هدف‌های خود استفاده کنند.

همچنین با توجه به (۱) تسلط فراوان رسانه‌ها بر حیات اجتماعی و فرهنگی ما؛ ۲- رسانه‌ای شدن کمابیش تمامی اطلاعات جز مواردی که به‌طور مستقیم تجربه می‌کنیم؛ ۳- قادر بودن رسانه‌ها بر خلق مدل‌های ارزشی و رفتاری پر قدرت؛ ۴- تأثیر رسانه‌ها بر تحلیل‌های اطلاعاتی؛ ۵- توانایی سواد رسانه‌ای برای لذت‌بخش‌تر کردن مصرف رسانه‌ای و تبدیل ارتباط انفعالی به ارتباط فعال؛ ۶- بازسازی واقعیت توسط رسانه‌ها؛ ۷- تبیین نقش علوم شناختی، فراشناختی و روان‌شناسی شناختی نتیجه می‌گیریم با توجه به اینکه آموزش رکن اصلی از بُعد سواد رسانه‌ای است؛ بنابراین، آموزش رسانه‌ای برای سازمان‌ها از مهم‌ترین موارد قابل توجه است و «مبناهایی منطقی برای آموزش رسانه‌ای» وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:

مفهوم اصلی و متحد کننده آموزش رسانه‌ای، بازنمایی است. این بدین معناست که رسانه‌ها واقعیت را بازتاب نمی‌دهند اما بازنمایی می‌کنند؛ هدف اصلی آموزش رسانه‌ای، غیرطبیعی جلوه‌دادن رسانه‌هاست. این بدین معناست که ایجاد درکی که پیام‌های رسانه‌ای می‌سازند، به‌طور طبیعی رخ نمی‌دهد؛ آموزش رسانه‌ای در درجه اول تحقیقی و جستجوگرانه است. این کار به دنبال تحمیل ارزش‌های خاص فرهنگی نیست. هدف آن افزایش درک محققان از چگونگی ارائه واقعیت از سوی رسانه‌هاست.

پیشنهادها و راهکارها

توانایی سازمانی برای فراگیری یا به‌دست آوردن دانش روان‌شناسی شناختی، علوم شناختی و فراشناختی موردنیاز از دیگر سازمان‌ها. ایجاد نگرشی جدید در فرهنگ مدیران و مسئولان سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی برای ریسک‌پذیری در راستای بهره‌گیری از روان‌شناسی شناختی، علوم شناختی و فراشناختی توسط تحلیل‌گران و کارشناسان رسانه. ایجاد اندیشکده تحلیلی در سطح معاونت آموزش سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی در راستای بومی‌سازی علوم شناختی و فراشناختی از بعد رسانه. کشف توانایی فکری و علمی کارکنان و تحلیل‌گران به‌خصوص کارکنانی که در سرانگشتان خدمت می‌کنند (توجه به فکر و ایده‌های جدید و خلاقانه آنها)؛ همکاری علمی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی با استادان و نخبگان دانشگاه‌های مختلف به‌منظور بهره‌گیری از دانش روز و بومی و اجرایی کردن دانش روان‌شناسی شناختی، علوم شناختی و فراشناختی در سطح سازمان‌ها با کمک و استفاده از روش‌های تحلیل‌های اطلاعاتی از بعد رسانه؛ بهره‌گیری مناسب از اصل تشویق برای تقویت روحیه و انگیزه کارکنان و مدیرانی که از روان‌شناسی شناختی، علوم شناختی و فراشناختی برای آنالیز پدیده‌های امنیتی استفاده می‌کنند؛

تشکیل کارگاه‌ها، همایش‌ها، سمینارها، هم‌اندیشی‌ها و... در راستای بهره‌گیری بهینه از روان‌شناسی شناختی، علوم شناختی و فراشناختی در سطح بخش‌های مختلف

سازمان‌ها و تشریح اهمیت موضوع و تبیین زیرساخت‌های آن به منظور تغییر نگرش کارکنان و مدیران (به‌ویژه مدیران میانی و اجرایی سازمان‌ها)؛ توزیع پیوسته کتابچه‌های با موضوعات روان‌شناسی شناختی، علوم شناختی و فراشناختی برای تحلیل اخبار اطلاعاتی و امنیتی از بُعد رسانه، در بین کارکنان باهدف پشتیبانی و تغذیه علمی دائمی و مستمر؛ اعمال سیاست‌های تشویقی برای تحقیق، ترجمه، تألیف کتب و مقالات و... با موضوع ذکرشده، به‌منظور بهره‌گیری از آخرین یافته‌ها و دیدگاه اندیشمندان و ترویج این آراء در سطح سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. اتکینسون، ریتال ال؛ ریچاردسی اتکینسون و ارنست ار هیلگارد (۱۳۸۶)، *زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد*، جلد دوم، چاپ دوم، ترجمه حسن رفیعی، محسن ارجمند و حسن حمیدپور؛ انتشارات ارجمند.
۳. احمدی، بابک (۱۳۷۶)، *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، تهران: مرکز، چاپ چهارم.
۴. استرکی، اکبر و محمد قلی‌زاده سلطان‌آبادی (۱۳۹۹)؛ «نقش رسانه‌های جمعی در بحران‌های اجتماعی»؛ اولین همایش ملی بهبود و بازسازی سازمان‌ها و کسب و کارها، تهران.
۵. استرنبرگ، رابرت (۱۳۹۶) *روان‌شناسی شناختی*، ترجمه سیدکمال خرازی و اله حجازی، تهران: سمت.
۶. اصغرزاده، مجید؛ یونس خزلی و سعید سعیدی (۱۳۹۵)، *شخصیت و کارایی کارکنان سازمان‌های اطلاعاتی*، تهران: انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
۷. امینی، رضا (۱۳۸۹)، «روابط عمومی»، نشر و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۸. آریان‌پور، منوچهر و دیگران (۱۳۸۵)، *فرهنگ انگلیسی به فارسی*، چاپ ششم، ج ۱، تهران: جهان‌زایانه.
۹. برکووتیز، بوریس و گودمن (۱۳۸۲)، *بهترین حقایق اطلاعات در عصر اطلاع‌رسانی*، ترجمه معاونت پژوهش دانشکده امام باقر(ع)، تهران: دانشکده امام باقر(ع).
۱۰. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۸)، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، چاپ چهارم، ج ۱، تهران: دوران.

۱۱. پارک علم و فناوری

<http://mstpark.com/library/education/public/unesco-latest-definition-literacy>

۱۲. پایگاه اینترنتی تحلیلی خبری عصر ایران، خبر ۲۴۳۷۵۶.

۱۳. چشمه نور، مرتضی و جابر پوریانی (۱۳۹۵)، «راهبردهای سواد رسانه‌ای در ارتقاء فرهنگ دفاعی»، مقالات منتخب همایش ملی (سواد رسانه‌ای و مسئولیت اجتماعی)، ج ۲، تهران: انتشارات پشتیبان، صص: ۵۵۷-۵۳۵.

۱۴. حسینی، سیدمحمد؛ سیدیحیی رضوی و محمدقلی‌زاده سلطان‌آبادی (۱۳۹۹)؛ «تبیین نظریه‌های تحلیل رسانه‌ای و نظریه اجتماعی- رفتاری، کارکردها و آثار پیام‌های ارتباطی»، اولین همایش ملی بهبود و بازسازی سازمان‌ها و کسب و کارها، تهران.

۱۵. خانی، حسین؛ سیدمحمد حسینی و محمدقلی‌زاده سلطان‌آبادی (۱۳۹۹)؛ «بایسته‌های امپریالیسم فرهنگی و ارتباطی در اندیشه‌های بزرگان از جمله شیپلر و مک‌لوهان»، اولین همایش ملی بهبود و بازسازی سازمان‌ها و کسب و کارها، تهران.

۱۶. ده صوفیانی، اعظم (۱۳۹۲) کودک انیمیشن و تلویزیون، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. تهران

۱۷. سایت دانشگاه تبریز، معرفی رشته علوم شناختی گرایش روان‌شناسی شناختی، کارشناسی ارشد

<https://psychology.tabrizu.ac.ir/fa/page/۹۴۱۷>

۱۸. سایت متمم، روان‌شناسی شناختی چیست

<https://motamem.org>

۱۹. سایت نسیم نیوز، انواع سواد در قرن ۲۱،

<https://www.nasim.news>

۲۰. شکرخواه، یونس (۱۳۸۶)، واژه‌نامه ارتباطات، چاپ سوم، تهران: سروش.

۲۱. طلایی، رضا؛ محمدرضا رضایی؛ محمدرضا خیراندیش و علیرضا قیومیان (۱۳۹۷)، «رانه مدل مطلوب «تحلیل محتوا» برای سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی»، همایش تحلیل اطلاعات، سپاه.

۲۲. عرب‌انصاری، مهدی (۱۳۹۲)، «کارکردها و نقش رسانه‌های جمعی در بحران‌های اجتماعی»، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، زمستان، تهران: حدیث کوثر، صص: ۱۳۷-۹۳.

۲۳. علوی، فرشید(۱۳۷۹)، ادغام سامانه‌های مدیریت، مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، تهران: صنوبر.
۲۴. قلی‌زاده، محمد و افشین راسخی(۱۳۹۸)، رهیافتی بر تجزیه و تحلیل امنیتی و اطلاعاتی با استفاده از علوم شناختی و فراشناختی، تهران: حدیث کوثر.
۲۵. کانزیک، مایکل(۱۳۸۷)، پژوهش‌های جدید در باب خشونت و رسانه، ترجمه دکتر محمدحسن شیخ‌الاسلامی، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال پانزدهم، شماره ۵۴.
۲۶. کریمی، یوسف(۱۳۸۷)، روان‌شناسی شخصیت، تهران: مؤسسه نشر و ویرایش.
۲۷. کلانتری، عبدالحسین و حسن مؤمنی(۱۳۹۴) سواد رسانه‌ای به مثابه سود - دفع ضرر، مهندسی فرهنگی، ۱۱۰-۱۲۵.
۲۸. گادسون، روی، آرمی، ارنست، گری(۱۳۸۰)، اطلاعات آمریکا بر سر دو راهی: راه‌کاری برای اصلاحات، ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع)، تهران، انتشارات پژوهشی دانشکده امام باقر (ع).
۲۹. گروه مطالعات استراتژیک دفاعی، نظام سیاسی و ساختار اطلاعاتی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات کاربردی فارابی، (۱۳۸۳).
۳۰. گوری، گری و اف ترورتین(۱۳۸۳)، تجدید ساختار اطلاعات در عصر اطلاع‌رسانی، تهران: انتشارات پژوهشی دانشکده امام باقر (ع).
۳۱. گیدنز، آنتونی(۱۳۹۲)، تجلد و تشخیص. ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
۳۲. موسی‌زاده مقدم، حدیث؛ علی‌اکبر ارجمندنیا؛ غلامعلی افروز و باقر غباری(۱۳۹۸)، «روانبخشی شناختی مبتنی بر حافظه آینده‌نگر: توجه و حافظه فعال در کودکان با اختلال کم‌توجهی بیش‌فعالی»، فصلنامه توانبخشی، تابستان، دوره ۲۰، شماره ۲، ص: ۱۷۴-۱۸۹.
۳۳. James R.Barth, ChenLin, PingLin, FrankM.Song, (2009), Corruption in bank lending to firms: Cross-country microevidence on the beneficial role of competition and information haring, *Journal of Financial conomics* ۹۱, pp.
۴۴. Oxstrand, Barbro, (2009), *Media Literacy Education*. Conference in Karlstad University, Sweden at: www.amlainfo.org/uploads/r4/cE/r4cEZukacxNYaFFxIMONdQ/NAMLE_CPMLE-w-questions.pdf.
۳۵. Reisberg, D. Smith, J. D., Baxter, D. A. & Sonenshine, M. (1989) "Enacted" auditory images are ambiguous: "pure" auditory images are not. *Quarterly Journal of Experimental Psychology: Human Experimental Psychology*, 41 (3-A), 619-641.
۱۱. Thoman, E. , & Jolls, T. (۲۰۰۰)، Media Literacy A National Priority for a Changing World. *American Behavioral Scientist*, 48 (1) , 18-29.

۳۷. Tuana, N. (2007). Conceptualization moral Literacy. *Journal of Educational Administration*, 45(4), 364.

